



## Criminal Forensics with an Emphasis on Crimes of Rape and Murder (A Comparative Study of Iran and America)

Leila Soleymani<sup>1</sup>, Abbas Shiri\*<sup>2</sup>, Karim Salehi<sup>3</sup>

1. Ph.D Student, Department of Law, Shahrekord Branch, Islamic Azad University, Shahrekord, Iran.

2. Associate Professor, Department of Criminal Law and Criminology, University of Tehran, Tehran, Iran. (Corresponding Author)

3. Assistant Professor, Department of Law, Shahrekord Branch, Islamic Azad University, Shahrekord, Iran.

### ARTICLE INFORMATION

**Type of Article:**

**Original Research**

**Pages: 189-202**

**Corresponding Author's Info**

**ORCID:** 0000-0001-8025-2607

**TELL:** +982188549131

**Email:** ashiri@ut.ac.ir

**Article history:**

**Received:** 17 Jan 2024

**Revised:** 04 Apr 2024

**Accepted:** 18 Jun 2024

**Published online:** 22 Sep 2024

**Keywords:**

*Victim, Victimized, Victimology, Crime Victims, Victim Support, Criminal Justice.*

### ABSTRACT

“Victimology” as a positive approach in supporting the victims is one of the prominent features of criminal doctrines regarding the position of the victim in criminal justice. This new approach not only examines the rights and protection of victims in a victim-oriented system, but also by passing through the transformation of ideas, it has become a classical approach and then a sociological approach; So, if criminal law does not pay attention to the needs of victims, this system cannot achieve its truth, which is the necessary efficiency in fighting criminals and controlling crime. In some crimes such as “murder” and “rape”, “crime analysis” is considered one of the important approaches of criminal policy; In this approach, an important model should be set in the judicial dimension in supporting the victims of murder and rape. In this research, judicial criminology will be examined in the two legal systems of Iran and the United States; The question is, what is the position of criminal justice in the crimes of murder and rape in Iranian and American laws. We will see that in both systems, despite the differences in the legal policies for the protection of victims, victimology is one of the most fundamental criminal rights of victims in the criminal justice system. Therefore, the right to compensation for the effects of victimization and respect for the victim's human dignity are considered to be the theoretical foundations of the multiple model of victim protection.



This is an open access article under the CC BY license.

© 2024 The Authors.

**How to Cite This Article:** Soleymani, L, Shiri, A & Salehi, K (2024). “Criminal Forensics with an Emphasis on Crimes of Rape and Murder (A Comparative Study of Iran and America)”. *Journal of Comparative Criminal Jurisprudence*, 4(3): 189-202.



انجمن علمی فقه‌های تطبیقی ایران



فصلنامه فقه‌های تطبیقی

دوره چهارم، شماره سوم، پاییز ۱۴۰۳

## بزه‌دیده‌شناسی قضایی با تأکید بر جرایم تجاوز و قتل (مطالعه تطبیقی ایران و آمریکا)

لیلا سلیمانی<sup>۱</sup>، عباس شیری<sup>۲\*</sup>، کریم صالحی<sup>۳</sup>

۱. دانشجوی دکتری، گروه حقوق، واحد شهرکرد، دانشگاه آزاد اسلامی، شهرکرد، ایران.

۲. دانشیار، گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران. (نویسنده مسؤل)

۳. استادیار، گروه حقوق، واحد شهرکرد، دانشگاه آزاد اسلامی، شهرکرد، ایران.

### چکیده

«بزه‌دیده‌شناسی» به‌عنوان رویکردی مثبت‌نگر در حمایت از بزه‌دیدگان، یکی از ویژگی‌های برجسته آموزه‌های کیفری در توجه به جایگاه بزه‌دیده در عدالت کیفری می‌باشد. این رویکرد نو، نه تنها به بررسی حقوق و حمایت از بزه‌دیدگان در یک نظام بزه‌دیده‌مدار، بلکه با گذر از دگرگونی اندیشه‌ها به رویکردی کلاسیک و سپس رویکردی جامعه‌شناسانه تبدیل شده است، به‌گونه‌ای که اگر حقوق کیفری به نیازهای بزه‌دیدگان توجه نکند، این نظام نمی‌تواند به حقیقت خود که کارایی لازم در مبارزه با بزه و کنترل بزهکاری است، دست پیدا کند. در برخی بزهکاری‌ها مانند «قتل» و «تجاوز»، «بزه‌دیده‌شناسی» یکی از رهیافت‌های مهم سیاست جنایی شمرده می‌شود؛ در این رویکرد، الگوی مهمی باید در بُعد قضایی در حمایت از بزه‌دیدگان قتل و تجاوز صورت گیرد. در این پژوهش، بزه‌دیده‌شناسی قضایی در دو نظام حقوقی ایران و آمریکا بررسی خواهد شد؛ پرسش این است که بزه‌دیده‌شناسی قضایی در جرایم قتل و تجاوز در حقوق ایران و آمریکا از چه جایگاهی برخوردار است. خواهیم دید که در هر دو نظام با وجود تفاوت‌هایی در سیاست‌های تقنینی حمایتی از بزه‌دیدگان، بزه‌دیده‌شناسی از بنیادی‌ترین حقوق کیفری بزه‌دیدگان در نظام عدالت جنایی به‌شمار می‌رود. از این‌رو حق جبران آثار بزه‌دیدگی و احترام به کرامت انسانی بزه‌دیده از بنیان‌های نظری الگوی چندگانه حمایت از بزه‌دیده تلقی می‌گردد.

### اطلاعات مقاله

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات: ۱۸۹-۲۰۲

اطلاعات نویسنده مسؤل

کد ارکید: ۲۶۰۷-۱۸۰۲۵-۱-۸۰۰۰-۰۰۰۰

تلفن: +۹۸۲۱۸۸۵۴۹۱۳۱

ایمیل: ashiri@ut.ac.ir

سابقه مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۰/۲۷

تاریخ ویرایش: ۱۴۰۳/۰۱/۱۶

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۳/۲۹

تاریخ انتشار: ۱۴۰۳/۰۷/۰۱

واژگان کلیدی:

بزه، بزه‌دیده، بزه‌دیده‌شناسی، قربانیان جرم، حمایت از بزه‌دیده، عدالت جنایی.



## مقدمه

از جمله موضوعاتی که به‌عنوان یک وضعیت خاص جنایی و مؤثر در بروز بزهکاری، توجه جرم‌شناسان و جرم‌پایان را به خود جلب کرده است، شخص بزه‌دیده یا قربانی بزه است. با این طرز تفکر در زمینه تحولات حقوق کیفری و سیاست جنایی، «بزه‌دیده» که در گذشته یکی از کنشگران فراموش‌شده علوم جنایی به‌شمار می‌رفت، امروزه هم‌سو با فرآیند جهانی‌شدن حقوق و به‌ویژه تحولات حقوق کیفری، به یکی از مهم‌ترین کانون‌های توجه در سیاست‌گذاری‌های ملی و بین‌المللی به‌عنوان یافتن روش‌هایی در جهت ارتقای حقوق بزه‌دیدگان تبدیل شد (بیگی و یزدانی، ۱۳۹۸: ۱۴۲؛ فلاحی و همکاران، ۱۳۹۸: ۹۶۰).

تا پیش از این نگرش این متهم بود که در کانون توجه فرآیند رسیدگی کیفری و سیاست جنایی قرار می‌گرفت، اما رفته‌رفته بزه‌دیده نیز در تکوین پدیده جنایی سهم و نقش فرآیندهای پیدا کرد، به‌نحوی که چرایی بزه‌دیدگی و نهایتاً «راهکارهای مواجهه مؤثر بر بزه‌دیدگی» و «بزه‌دیده‌شناسی» به‌عنوان یک دانش تخصصی در علوم جنایی مورد بحث و بررسی قرار گرفت (حاجی ده‌آبادی و یوشی، ۱۳۹۵: ۴۵). به‌گونه‌ای که امروزه بزه‌دیده از ارکان اصلی جریان کیفری و مجرمانه است، به‌نحوی که این رکن در پدیدآمدن بزه، دارای نقش مؤثری شد؛ نقشی که امروزه دانش «بزه‌دیده‌شناسی» به‌جای اتخاذ یک نقش منفعل، درصدد کشف علل و عوامل بروز بزهکاری و سازوکارهای مقابله با آن است (میرخلیلی، ۱۳۸۵: ۶۵). شاید به این خاطر است که بزه‌دیده‌شناسی، به‌عنوان نخستین رویکرد در مطالعات بزه‌دیده‌شناختی مورد توجه قرار گرفت.

این علم در راستای تبیین عمل جنایی و در مقام مطالعه خصوصیات زیستی، روانی، اجتماعی و روحی بزه‌دیدگان به‌عنوان یکی از کنشگران علوم جنایی و تعیین نقش و سهم آنان در ارتکاب بزه است (رحیمی‌نژاد، ۱۳۹۷: ۱۶۴). چنانچه برخی از این مطالعات منجر به شناخت درد و رنج ناشی از بزه، جبران آسیب و زیان بزه‌دیده و درنهایت «درمان و بازتوانی وی» (بزه‌دیده‌شناسی بالینی) برخی به‌دنبال تبیین اوضاع و احوال پیرامون بزه و بزه‌دیدگی و بررسی نقش

اندیشه به عمل مجرمانه (خصوصیات بزه) بوده (بزه‌دیده‌شناسی علمی) و برخی نیز درصدد بررسی و تحلیل علمی بزه‌دیده خاص و یا گروهی از بزه‌دیدگان به‌دنبال ترسیم «تیم‌رُخ جنایی بزه‌دیده» به‌منظور کشف حقیقت در فرآیند رسیدگی‌های کیفری و عدالت قضایی می‌باشد.

بزه‌دیده‌شناسی قضایی در تحولات بعدی بزه‌دیده‌شناسی نقش مؤثری پیدا کرد، به‌گونه‌ای که کشف علمی بزهکاری و حقوق تحقیقات جنایی نوین از مهم‌ترین دستاوردهای آن به‌شمار می‌رود که به «بزه‌دیده‌شناسی قضایی یا قانونی» مشهور است (شیری، ۱۳۹۷: ۲۱۵). این‌گونه بزه‌دیده‌شناسی که از حوزه‌های مورد مطالعه در جرم‌شناسی کاربردی و مدیریتی قلمداد می‌شود، در جرایمی چون قتل و تجاوز استفاده بسیار دارد.

در پیرامون این نوع بزه‌دیده‌شناسی می‌توان به افراد مختلفی مانند پزشکان قانونی، مددکاران اجتماعی، کارشناسان جرم، مأموران پلیس، جرم‌شناسان و حتی دادستان‌ها و بازپرسان دستگاه عدالت کیفری (به‌عنوان متولیان امر تحقیق، کشف جرم و تعقیب مجرم) اشاره کرد که هر یک در جایگاه خویش با استفاده از شیوه‌های نوین کشف جرم، در ارزیابی صحت و سقم اظهارات بزه‌دیده و بررسی دلایل و مدارک تشکیل پرونده کیفری (برای بزه‌دیده) و تضمین اجرای عدالت کیفری تأثیرگذار خواهند بود (شیری، ۱۳۹۷: ۲۱۵).

بنابراین برای این‌که بتوان از بزه‌دیده در جریان دادرسی کیفری حمایت‌های لازم را به‌عمل آورد، ناگزیر باید سازوکارهایی در فرآیند نظام عدالت کیفری برای وی در نظر گرفت، مانند حمایت از بزه‌دیده در مقابل بزهکار، اطلاع و حضور در جلسات دادرسی، استماع اظهارات وی، مشاوره با وکیل، جبران کامل و به‌موقع خسارات وارده ناشی از بزهکاری، رسیدگی سریع و بدون وقفه و رفتار کرامت‌مدار با وی که این موارد در جرایمی همچون تجاوز و قتل جلوه خاصی پیدا می‌کنند (هاشمی، ۱۳۸۷: ۸۵). این‌گونه حمایت‌ها در نظام‌های حقوقی مورد بحث در این پژوهش (ایران و آمریکا) کم و بیش مورد توجه قرار گرفته‌اند؛ در حقوق ایران، قانون‌گذار ایرانی با استفاده از تمهیدات خاصی در برخی

بزه‌دیده و تشکیل پرونده شخصیت برای وی می‌شود که در این پرونده ضمن ترسیم الگوهای بزه‌دیدگی، سیاست جنایی در مقام پاسخ به چرایی تکرار یک الگوی بزه‌دیدگی خاص و متعاقباً کشف یک الگوی پنهان و مشکوک بزه‌دیدگی به‌منظور پیشگیری از بزه و حمایت از بزه‌دیده در مقابل بزهکار و بزهکاری خواهد بود.

بر این اساس در این پژوهش ابتدا ضمن ارائه مفهوم «بزه‌دیده و بزه‌دیده‌شناسی» (مبحث اول) به تکوین بزه‌دیده‌شناسی قضایی در جرایم قتل و تجاوز (در مبحث دوم)، مبانی بزه‌دیده‌شناسی قضایی جرایم قتل و تجاوز (در مبحث سوم) و نهایتاً به قلمرو بزه‌دیده‌شناسی قضایی در جرایم مزبور در دو نظام حقوقی ایران و آمریکا خواهیم پرداخت (در مبحث چهارم).

#### ۱- مفهوم بزه‌دیده و بزه‌دیده‌شناسی

##### ۱-۱- مفهوم بزه‌دیده

از «بزه‌دیده» در ادبیات حقوقی تعاریف مختلفی ارائه شده است، اما به‌طور رایج در این که بزه‌دیده شخصی است که از بزه متضرر شده یا بزه علیه وی حادث شده است، میان نویسندگان و حقوق‌دانان اتفاق نظر وجود دارد.

شاید در نگاه اول به‌نظر برسد این تعریف مبین مفهوم کلی «بزه‌دیده» باشد، اما با کمی تأمل خواهیم دید که در شمول دایره این مفهوم و صدق آن بر افراد محدود، عیوب تعریف بسیار است، زیرا در تعریفی دیگر از بزه‌دیده گفته شده است بزه‌دیده شخصی است که در پی رفتار انسانی که بزه نام دارد، متضرر، مجروح، مضروب یا به قتل رسیده است که مفهوم جامع‌تری است (رایجیان اصلی، ۱۳۸۱: ۱۱). برخی دیگر گفته‌اند: «بزه‌دیده شخصی است که به‌دنبال رویداد یک جرم، آسیب و زیان یا رنج و آزار می‌بیند» (این تعریف در ادبیات پارسی با معنای «قربانی‌شدن» مورد سنجش قرار می‌گیرد) (رایجیان اصلی، ۱۳۸۵: ۱۱۹).

برخی دیگر نیز گفته‌اند: «بزه‌دیده عنصری مهم در فرآیند کیفری است که به‌دنبال وقوع یک جرم، دچار آسیب بدنی، روانی و مالی شده است» (خداخواه، ۱۳۹۷: ۱۵۰).

قوانین کیفری (مانند قانون مجازات اسلامی، قانون آیین دادرسی کیفری، قانون پیشگیری از وقوع جرم و ...) به قلمرو بزه‌دیده‌شناسی در جرایم قتل و تجاوز پرداخته است که برخی اصول تضمین‌کننده عدالت کیفری نیز در این زمینه به تصویر کشیده شده است.

در حقوق آمریکا در پی تحولات نوین در زمینه حمایت از حقوق بزه‌دیده (از سال ۲۰۰۴ به این سو) کنگره این کشور قانون حقوق بزه‌دیده را به تصویب رساند. در این قانون راهکارها و شیوه‌های حمایتی مؤثری در بزه‌دیده‌شناسی قانونی در نظر گرفته شد که شامل برنامه‌های مطلوبی برای حمایت از بزه‌دیدگان مستقیم (مانند بزه تجاوز) و بزه‌دیدگان غیرمستقیم (نزدیکان بزه قتل) می‌باشند.

این برنامه به‌طور مشخص بزه‌دیده را چنان مورد حمایت قرار داده‌اند که نظریه «کشتن فردی که آن را دوست داریم به چه میزان می‌تواند موجب ایجاد تألم روحی و ایجاد ضربه ناراحت‌کننده‌ای برای نزدیکان وی باشد» لحاظ شده است. همچنین در بزه تجاوز که به‌طور مستقیم به روح و روان بزه‌دیده صدمه وارد می‌کند، سازوکارهای جدیدی پیش‌بینی شد که علاوه بر کشف علمی جرایم، از انگیزه‌های ارتکاب بزه، شیوه‌های پیشگیری از وقوع بزهکاری، تشکیل پرونده شخصیتی برای بزه‌دیده، بهبود سرعت و صحت فرآیند قضایی و دادرسی کیفری، افزایش کیفیت تحقیقات پلیسی و جنایی، کاهش هرچه بیشتر اشتباهات قضایی و بالابردن دقت در رسیدگی‌های قضایی در زمینه اثبات جرم از یک سو و حمایت از بزه‌دیده «بزه تجاوز» از سوی دیگر در نظر گرفته شد.

شاید به این علت است که در آمریکا بزه‌دیده‌شناسی قضایی کارکردی با خصوصیت مطالعات فردنگر و ناظر به بررسی، مطالعات و حمایت از افراد معین و آسیب‌دیده ناشی از یک بزه خاص با ویژگی‌های فردی مشخص دارد.

با این وجود هم در حقوق ایران و هم در حقوق آمریکا «بزه‌دیده‌شناسی قضایی» با بررسی تمام ویژگی‌ها، حالات و عملکرد بزه‌دیده به‌هنگام ارتکاب بزه و همچنین با لحاظ سایر علل مربوط به بزهکاری، اقدام به ترسیم نیم‌رخ جنایی

## ۲-۱- مفهوم بزه‌دیده‌شناسی

«بزه‌دیده‌شناسی» از جمله مفاهیمی است که قدمت زیادی در ادبیات حقوق کیفری ندارد، زیرا آن گونه که گفته شده است برای اولین بار این واژه در سال ۱۹۴۹ توسط روان‌پزشک آمریکایی (فردریک ورتهم) مطرح شده است (فلاحی و همکاران، ۱۳۹۸: ۹۶۱). این روان‌پزشک نخستین بار در کتاب خویش با عنوان «نمایش خشونت» بزه‌دیده‌شناسی را مترادف با «جرم‌شناسی مجنی‌علیه» ابتدا در بخش جرم‌شناسی واکنش اجتماعی و بعدها به‌عنوان یک قلمرو خاص نسبت به تحلیل آن پرداخت (قاسمی و مقدم‌فرد، ۱۳۹۶: ۸۵). این شاخه از جرم‌شناسی به‌طور مشخص به بررسی قربانی جرم می‌پردازد؛ در این مطالعه شناخت بزه‌دیده و آنچه به او مربوط می‌شود، موضوع این دانش نوین است (فلاحی و همکاران، ۱۳۹۸: ۹۶۱). در این دانش، شخصیت، صفات زیستی، اخلاقی، روانی و خصوصیات اجتماعی و فرهنگی بزه‌دیده و سهم او در تکوین بزه و رابطه آن با بزه‌کار مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد (قاسمی و مقدم‌فرد، ۱۳۹۶: ۸۰). جرم‌شناسان بزه‌دیده‌شناسی را به دوگونه اولیه و ثانوی تقسیم کرده‌اند.

در گونه نخست بزه‌دیده‌شناسی در مقام مطالعه ویژگی‌ها و نقش بزه‌دیده در تکوین عمل مجرمانه و نیز بزه‌دیده یا قربانی جرم می‌باشد؛ درحقیقت، این نوع بزه‌دیده‌شناسی، شاخه‌ای از جرم‌شناسی علت‌شناسانه است که در آن، نقش بزه‌دیده در وقوع بزه و به‌عنوان یکی از عوامل ارتکاب بزه از سوی بزه‌کار مورد بررسی و مطالعه قرار می‌گیرد.

در گونه دوم بزه‌دیده‌شناسی در اثر تحول و توسعه بزه‌دیده‌شناسی اولیه به‌وجود آمده است و هدف، تکوین سرنوشت بزه‌دیده با ارائه حمایت اعم از مادی و معنوی و جبران خسارت‌های وارده به وی است؛ در این نوع بزه‌دیده‌شناسی، حمایت از بزه‌دیده در فرآیند رسیدگی کیفری اعم از مرحله تحقیق و تحقیقات مقدماتی و دادرسی و حمایت‌های پزشکی و درمانی ملحوظ نظر است (رایجیان اصلی، ۱۳۸۱: ۱۳).

«هانس فون هنتیگ» (پدر علم بزه‌دیده‌شناسی) بزه‌دیده را چنین تعریف کرده است: «بزه‌دیدگان کسانی هستند که به‌طور فردی یا گروهی، متحمل خسارت شده‌اند» (این خسارت به‌ویژه در زمینه‌های مربوط به آسیب جسمانی یا روانی، رنج روحی، خسارت مادی و واردشدن لطمه بزرگی به حقوق اساسی افراد می‌باشد) (عزیزی و همکاران، ۱۳۹۸: ۹۶).

همچنین مطابق ماده ۱ بخش «الف» از اعلامیه اصول بنیادی عدالت برای بزه‌دیدگان بزه‌دیدگان اشخاصی نامیده شده‌اند که در پی فعل یا ترک فعل‌های ناقض قوانین کیفری دولت‌های عضو، از جمله قوانینی که سوءاستفاده‌های مجرمانه از قدرت را ممنوع کرده‌اند، به‌صورت فردی یا گروهی، به آسیب، از جمله آسیب بدنی و روانی، درد و رنج عاطفی، زیان اقتصادی یا آسیب اساسی به حقوق بنیادی خود دچار شده‌اند.

در حقوق آمریکا به‌عنوان نظام مورد مطالعه در این پژوهش «بزه‌دیده» به‌عنوان یکی از طرفین واقعه مجرمانه به شخصی اطلاق می‌گردد که به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم در اثر وقوع بزه‌ای که بزه‌کار مرتکب آن شده است، متحمل ضرر مادی یا معنوی یا آسیب جسمانی یا حیثیتی شده است.

بر این اساس بزه‌دیدگان به بزه‌دیدگان اولیه یا مستقیم که بدون واسطه و مستقیم آسیب می‌بینند (مانند بزه تجاوز) و ثانویه یا غیرمستقیم تقسیم می‌شوند (مانند بستگان مقتول در بزه قتل) همچنین مطابق نظامات قانونی در حقوق آمریکا (قانون CVRA در بخش E) بزه‌دیده شخصی معرفی شده است که به‌طور مستقیم و بلافاصله در اثر ارتکاب جرم فدرال یا یک جرم در ناحیه کلمبیا صدمه دیده است (هاشمی، ۱۳۸۷: ۸۹-۸۸). مطابق این تعریف بزه‌دیده نمی‌تواند بستگان مقتول در بزه قتل باشد، زیرا مستقیم نتیجه بزه شرط صدق تعریف است، اما به‌نظر می‌رسد بزه‌دیده گاهی نمی‌تواند به‌طور غیرمستقیم موضوع تعریف قرار گیرد، خصوصاً در آسیب‌های روحی و روانی یا رنج‌های ناشی از دست‌دادن نزدیکان و افراد خانواده. بنابراین در مفهومی جامع از بزه‌دیده به‌نظر مناسب‌تر است که نتیجه وقوع بزه برای صدق تعریف بر بزه‌دیده، وقوع بزه به‌شکل مستقیم یا غیرمستقیم موضوع بررسی و مطالعه قرار گیرد.

### ۱-۳- بزه‌دیده‌شناسی قضایی

صرف نظر از گونه‌های کلی بزه‌دیده‌شناسی شامل بزه‌دیده‌شناسی اولیه و ثانویه و تقسیم‌بندی‌های جزئی مانند بزه‌دیده‌شناسی علمی، بزه‌دیده‌شناسی بالینی و ...، بزه‌دیده‌شناسی قضایی یا قانونی شاخه‌ای از بزه‌دیده‌شناسی کاربردی است که به مطالعه علمی بزه‌دیدگی و بزه‌دیدگان خاص و معین و با هدف کشف حقیقت در فرآیند رسیدگی‌های کیفری و عدالت قضایی می‌پردازد. به عبارتی دیگر در بزه‌دیده‌شناسی قضایی، مطالعه قانونمند بزه‌دیدگان، بزهکاری‌ها با هدف سرخ‌دهی به مسائل مرتبط با پلیس علمی و تحقیق راجع به چگونگی رخ‌دادن بزهکاری است. اهمیت این نوع بزه‌دیده‌شناسی در واقع مربوط به زمانی است که شناسایی بزهکاران دشوار یا به‌دست‌آوردن سرخ مشکل توصیف شود.

به‌عنوان مثال، در جرایمی مانند قتل‌های سریالی یا زنجیره‌ای، در زمانی کوتاه ممکن است افرادی مفقود شوند و بعضاً اجساد قربانیان نیز پیدا نشود؛ در این حالت پلیس با خانواده‌های قربانیان متعدد مواجه خواهد شد و واقعاً بیان پاسخ قانع‌کننده به این افراد مشکل خواهد بود و چه‌بسا این پاسخ به‌علت تراکم تحقیقات یا دشواری در حصول سرخ با پرخاشگری یا پاسخ‌های نامساعد توأم گردد. در این حالت، بزه‌دیده‌شناسان قضایی با ورود به ماجرا و بررسی صحنه جرم و آثار به‌جامانده، یعنی مکانی که برای آخرین بار مقتولان در آنجا مشاهده شده‌اند و مکان‌هایی که اجساد در آنجا کشف شده‌اند، به سرخ‌های مهمی دست پیدا کنند، مانند پرونده قتل‌های زنجیره‌ای «مهمین قدیری» که این نوع بزه‌دیده‌شناسی در نهایت منجر به شناسایی قاتل گردید (شیری، ۱۳۹۷: ۲۱۹-۲۱۸). به این سبب بزه‌دیده‌شناسی قضایی با تحقیقات جنایی ارتباط مستقیم پیدا می‌کند؛ از این حیث که بزه‌دیده‌شناسی قضایی، دانش مطالعه علمی بزه‌دیدگان با هدف بررسی و مطالعات موضوعات/ تحقیقات جنایی می‌باشد (Brent & Wayne, 2009: 13).

در حقوق آمریکا بزه‌دیده‌شناسی تحولات عظیمی را در این چند دهه تجربه کرده است. به‌عنوان نمونه در حقوق آمریکا

در راستای اجرای برنامه‌های توانمندسازی حمایت از بزه‌دیدگان حقوق مختلفی برای آن‌ها در نظر گرفته‌اند، از جمله حق حمایت از بزه‌دیده در مقابل متهم، حق اطلاع از هرگونه جلسات دادرسی حق حضور در کلیه جلسات دادرسی، حق استماع اظهارات وی، حق مشاوره با وکیل دولت، جبران به موقع و کامل خسارت و نیز حق رفتار کرامت مدار با بزه‌دیده و ... (هاشمی، ۱۳۸۷: ۹۲-۹۱).

### ۲- بزه‌دیده‌شناسی قضایی در بزه‌های قتل و تجاوز

#### ۱-۲- مفهوم قتل و تجاوز

به‌طور رایج هرگاه سخن از قتل می‌شود، در بادی سخن منظور قتل عمد است، زیرا در قتل عمد ازهاق روح فرد بی‌گناه منظور قاتل است درحالی‌که در قتل‌های غیرعمدی و خطای محض عنصر قصد با خدشه مواجه است (فقدان سوءنیت مجرمانه). بنابراین در قتل عمدی، سلب حیات برخلاف قانون و به بیان ساده، سلب حیات افراد با اراده، اختیار و عمد قاتل همراه است.

در حقوق آمریکا برخلاف حقوق ایران قتل به سه‌گونه عمدی، شبه‌عمد یا غیرعمد و خطای محض نیست، بلکه قتل به دوگونه عمد درجه ۱ و عمد درجه ۲ تقسیم می‌شود. در قتل عمد درجه ۱ معمولاً سوءنیت قبلی یا سبق تصمیم در آن وجود دارد.

در قتل عمدی درجه ۲ نیاز به اثبات این موضوع است که متهم محکوم به ایجاد خطر حتمی یا رفتار شدید (فعل نوعاً کشنده) وجود دارد، البته سوءنیت در اینجا به‌معنای سوءنیت همراه با سبق تصمیم به مفهومی که در نظام حقوقی کامن‌لا مرسوم است، نمی‌باشد، اما به‌طور کلی در ایالات متحده آمریکا قتل غیرعمدی به‌عنوان یک جرم به رسمیت شناخته شده است.

علاوه‌بر این در حقوق جدید این کشور، قتل غیرعمد به موردی اطلاق می‌گردد که فردی در نتیجه ترک محل مسؤولیت موجب مرگ دیگری شناخته شود، البته در حقوق آمریکا قانون‌گذار آمریکایی سعی کرده است با تفکیک نوع فعل یا رفتار مجرمانه منجر به قتل نفس، قتل عمد درجه ۱ را به قتل عمد جنایی و قتل غیرعمد تقسیم‌بندی کند.

نظرات تخصصی کارشناسان و مأموران جنایی اثبات بزه، نظر مددکاران اجتماعی و ... این هدف کاربردی برای اولین بار به نظر در ماده ۳ قانون مبارزه با قاچاق استفاده شد که در آن، قانون گذار به جای واژه «مجنی علیه» از واژه «بزه دیده» بهره گرفت.

ولی با وجود تمهید این مقدمات، به نظر می رسد رویکرد قانون گذار بیشتر جنبه حمایتی داشت تا بزه دیده شناسی، اما رفته رفته این نگرش به مباحث مهمی تبدیل شد که نقطه عطفی در سیاست جنایی جمهوری اسلامی ایران محسوب می شود، از جمله توجه به اعمال و گفتار تحریک آمیز بزه دیده، تقصیر وی در بروز بزه، علت یابی بزه و تبیین نقش بزه دیده در تحریک بزه کار و لحاظ تعامل اجتماعی افراد در ارتکاب بزه هایی که جامعه نسبت به آن ها حالت ترس به خود می گیرد مانند قتل و تجاوز (پاک روش، ۱۳۸۷: ۵۱).

در قانون مجازات اسلامی در این راستا قانون گذار اسلامی بیشتر سعی کرده است که بزه دیده شناسی قضایی را بر مبنای فعل و کردار بزه دیده در نظر گیرد، زیرا با پیش بینی نهادهایی همچون دفاع مشروع، بیان تقصیر بزه دیده، بی احتیاطی، مسؤولیت مؤثر در ارتکاب بزه، تحریک افراد به ارتکاب بزه و ... سبیل فردی کردن مجازات مبنای بزه دیده شناسی قانونی قرار گرفته است.

به نظر می رسد این طرز تفکر نیز ناشی از ذهنیتی است که خطر بزه کاری ای را که با تحریک بزه دیده ایجاد می گردد، بسیار بیشتر از بزه کاری ای در نظر گرفته شده است که با سوء نیت قبلی و با تهیه مقدمات به ارتکاب بزه صورت گرفته است.

#### ۲-۲-۲- حقوق آمریکا

تحولات جدید نظام عدالت کیفری آمریکا از سال ۱۹۸۲ میلادی به این سو با ارائه طرحی به نام «نیروی ضربت رییس جمهوری درباره عدالت برای بزه دیدگان» با هدف یافتن راه های کمک به بزه دیدگان جرایم خصوصاً جرایم خشن، مانند قتل و تجاوز شکل خاصی به خود گرفت. سیاست جنایی آمریکا در این برهه دریافت که بزه دیدگان به گروهی

در قتل عمدی ناشی از بی پروایی شدید هر چند ممکن است مرتکب قصد قتل دارد، ولی ممکن است قصد ایراد صدمه بدنی را نداشته باشد، اما با انجام رفتاری که متضمن خطری شدید است، برای حیات انسان دیگر (مقتول) فعل نوعاً کشنده ایجاد کند (اسمپ، ۱۳۸۳: ۵۸)، البته به نظر می رسد تقسیم بندی نوع قتل در آمریکا برخلاف حقوق ایران بیشتر به منظور تحدید بیشتر مجازات های سخت مانند مرگ، برای قتل عمدی درجه ۱ و مجازات اخف تر برای قتل عمدی درجه ۲ است که در فرض نخست معمولاً قتل با قصد قبلی (فعل و نتیجه) و در فرض اخیر زمانی است که قتل عمدی در جریان یکی از جنایات های مصرح جزایی صورت می گیرد، مانند کشتن انسانی با فعل خطرناک غیر عمدانه. عنصر روانی در این نوع قتل بی اعتنایی به حیات انسان است، هر چند شخص قاتل واقعاً قصد کشتن انسان را نداشته باشد؛ با این مشخصه که قتل عمدی ناشی از ایراد صدمات بدنی شدید یا قتل عمدی ناشی از بی پروایی شدید و قتل عمدی جنایی در جریان یکی از جنایات غیر مصرح مصادیق قتل های عمدی درجه ۲ است (آرفو، ۱۳۸۳: ۱۱۷-۱۱۶).

در بزه دیگر «تجاوز» که به معنای ظلم و تعدی آمده است، تخطی، تعدی بیرون شدن از حد و حق و عدل مطلوب است. در اصطلاح نیز «تجاوز» به معنای نوعی رفتار خشن و تهدید آمیز اطلاق می گردد که از طریق اعمال جنسی و به منظور ابراز قدرت و خشم صورت می گیرد. در این موارد رابطه جنسی به ندرت موضوع اصلی بزه ارتكابی است و در اکثر موارد مسائل جنسی در خدمت نیازهای غیر جنسی در می آیند (رمضان نرگسی، ۱۳۸۲: ۷۰).

#### ۲-۲-۲- تکوین بزه دیده شناسی در جرایم قتل و تجاوز

##### ۲-۲-۱- حقوق ایران

در سیاست جنایی ایران به تبع تلاش های بین المللی در جهت شناخت بزه دیده شناسی، نوآوری ها و تحولاتی در سیاست جنایی ایجاد گردید؛ عمده این تحولات در راستای بزه دیده شناسی قضایی یا قانونی بود، از جمله مواردی همچون تشکیل پرونده شخصیت، لحاظ علم قاضی برای اثبات بزه، ملاک نظریه پزشکی قانونی در کشف و احراز بزه، استفاده از

خاصی مبذول کرده است، به‌عنوان نمونه به اقرار در مرحله تحقیقات مقدماتی یا مرحله رسیدگی دادگاه آثار خاصی بار آورده است.

با این مشخصه که توان اثباتی اقرار تنها در ارتباط با امور موضوعی اثبات بزه است و نه امور حکمی و قانونی، زیرا وجود قانون نیاز به اثبات از سوی اصحاب دعوا ندارد و ترتب آثار حقوقی هر امری با در نظر گرفتن مقررات با مرجع قضایی است. همچنین بحث تحولات راجع به مقررات شکلی اقرار براساس ماده ۳۱۹ از ق.آ.د.ک که باوجود پذیرش اقرار به‌عنوان دلیل اصلی اثبات بزه، علم قاضی نیز در مرحله بالاتری جهت اثبات بزه در نظر گرفته شده است.

علاوه بر اقرار در بحث اثبات بزه، شهادت شهود از دیگر سازوکارهای حمایتی از بزه‌دیده در مقررات کنونی ایران به‌شمار می‌آید. در این زمینه قانون‌گذار اسلامی از جهات مختلفی این مسأله را مورد تصریح قرار داده است، از جمله نحوه احضار شاهد و مطلع (مواد ۲۰۵ تا ۲۱۶ ق.آ.د.ک) تعیین وظایف شاکی در رابطه با شهادت شهود در جرایم قابل گذشت؛ ایجاد تحول در جرم و تعدیل شهود (مواد ۱۹۱، ۱۹۵ و ۱۹۷ ق.م.ا) اعطای اعتبار بالا به علم قاضی در راستای کشف حقیقت (مواد ۲۱۴ الی ۲۱۴ ق.م.ا) خصوصاً در بزه‌هایی که مستوجب مجازات مرگ می‌باشند (مانند تجاوز) یا در برخی موارد مربوط به بزه قتل. همچنین اعطای اعتبار خاص به گزارش‌های موثق ضابطان قضایی، با این مشخصه که در پاره‌ای موارد این گزارش‌ها فراتر از اظهار نظرهای معمولی و عادی تلقی شده و بیشتر جنبه تخصصی و فنی دارند. همچنین در برخی موارد این گزارش مبنای اظهار نظرهای کارشناسان جنایی و مؤثر در فرآیند رسیدگی‌های قضایی به‌نحو گسترده‌ای قرار می‌گیرند.

این حق از چنان اهمیتی برخوردار است که در اعلامیه اصول پایه در بند آخر ماده ۶ به دولت‌های عضو توصیه شده است با به‌کارگیری شیوه‌های قضایی و اجرایی در جهت پرهیز از تأخیر غیرضروری در رسیدگی‌ها به دعوی کیفری و اجرای دستورات مقتضی اقدامات لازم را انجام دهند. همچنین

از شهروندان تبدیل شده‌اند که همواره از سوی نظام عدالت کیفری که برای حفاظت از آن‌ها طراحی شده است، مورد مزاحمت قرار گرفته‌اند. درواقع، مشارکت آن‌ها چه به‌عنوان قربانی بزه و چه به‌عنوان شاهد یا مطلع همواره مورد غفلت نظام عدالت کیفری قرار گرفته است (سیگل، ۱۳۸۵: ۱۷۶). بنابراین طبیعی بود که سیاست جنایی آمریکا در راستای حمایت از بزه‌دیدگان اقدام درخور برای دفاع از حقوق بزه‌دیدگان انجام دهد.

در راستای تلاش بیشتر در جهت حمایت از بزه‌دیدگان قتل و تجاوز در حقوق آمریکا، قانون بزه‌دیدگان در سال ۱۹۸۴، یعنی دو سال پس از طرح حمایتی ریاست جمهوری (دونالد ریگان) وضع گردید. در این قانون صندوق حمایت از بزه‌دیدگان پیش‌بینی شد. جریمه‌های کیفری فدرال، مجازات‌ها و مصادره‌ها را برای حمایت از بزه‌دیدگان ایالتی و برنامه‌های خدمات‌رسانی اجتماعی، فرهنگی و حقوقی را برای بزه‌دیدگان محلی به‌وجود آورد. همچنین این صندوق مجوزهایی را برای هر ایالت مقرر کرد تا از بزه‌دیدگان جبران خسارت کنند و در بحران‌های مداخله و حقوق کارکنان ارائه‌دهنده خدمات به بزه‌دیدگان را پرداخت کنند. همچنین برنامه‌هایی برای کمک به بزه‌دیدگان جرایم خشن داشته باشند. در همان سال در سطح فدرال در آمریکا اداره بزه‌دیدگان تأسیس شد با هدف مبارزه برای رفتار منصفانه با بزه‌دیدگان، آموزش تخصصی در بهبود وضعیت حقوق بزه‌دیدگان، ارائه خدمات به آن‌ها و پرداخت غرامت در کشور نسبت به بزه‌دیدگان. همچنین وظیفه این گروه عبارت از کمک به فرآهم کردن عدالت التیام‌بخشی برای بزه‌دیدگان در نظر گرفته شد (هاشمی، ۱۳۸۷: ۸۷-۸۶).

### ۳- مبانی بزه‌دیده‌شناسی قضایی در جرایم قتل و تجاوز

#### ۳-۱- حقوق ایران

به‌نظر می‌رسد در حقوق ایران قانون‌گذار اسلامی برای حمایت از بزه‌دیده در بزه‌هایی چون قتل (به‌طور غیرمستقیم) و تجاوز (به‌طور مستقیم) بیشتر سعی کرده است کشف حقیقت یا اثبات علمی بزه‌کاری را مبنای عمل قرار دهد، زیرا در بحث ادله کشف حقیقت در اثبات بزه‌های مزبور توجه



دستورالعمل CVRA نیز در بند ۷ بخش A به این حق بزه‌دیده توجه خاصی کرده است.

علاوه بر این قانون‌گذار ایرانی یکی دیگر از مبانی حاکم بر بزه‌دیده‌شناسی قضایی را پیشگیری از فساد و تباهی در فرآیند رسیدگی‌های کیفری لحاظ کرده است که در مقررات مختلفی به این مهم پرداخته است، از جمله می‌توان به ضمانت‌اجراهای بزه‌دیده‌شناسی قانونی / قضایی در قانون نظارت بر رفتار قضات و انطباق برخی مقررات کیفری با سیاست جنایی کنوانسیون مریدا و فساد مالی در راستای بزه‌دیده‌شناسی قضایی (مانند بحث استرداد مجرمان خطرناک) اشاره کرد.

### ۳-۲- حقوق آمریکا

در حقوق آمریکا مسأله بزه‌دیده‌شناسی قضایی در بزه‌هایی چون قتل و تجاوز در دو موضوع کلی و عمده کشف دلایل و حمایت از بزه‌دیده خلاصه می‌شود. در نظام عدالت کیفری آمریکا، کشف حقیقت با توسل به دلایل علمی احراز بزه به‌صورت قانونی است و به‌عنوان مهم‌ترین مبنای حاکم بر بزه‌دیده‌شناسی قضایی نیز معرفی شده است.

در فرهنگ حقوقی ایران کشور دلیل عبارت از هر نوع مدرکی مانند اسناد و موارد دیگر که دال بر اثبات موضوعی که به‌صورت قانونی از سوی اصحاب دعوا یا شهود به‌منظور متقاعدکردن دادگاه یا هیأت منصفه ارائه می‌شود، اطلاق می‌گردد، اما نباید این نکته مهم فراموش گردد که در حقوق آمریکا با توجه به اصل بودن برائت در دعاوی کیفری، بار اثبات مجرمیت متهم برعهده دادستان است و در دعاوی عمومی، طرف اصلی متهم، دادستان محسوب می‌گردد.

همچنین در این راستا در حقوق این کشور، در پاسداشت حقوق متهم در جرایم کلان مانند قتل و تجاوز، به‌منظور تضمین رعایت مقررات و ضابط، ضمانت‌اجراهایی در نظر گرفته شده است که گاهی حمایت از بزه‌دیدگان را کمتر یا کم‌اهمیت جلوه می‌کنند، مانند ضمانت‌اجراهای پیش‌بینی‌شده در بی‌اعتباری تحقیقات و در نتیجه، عدم پذیرش دلیل ارائه‌شده توسط بزه‌دیده یا خانواده و نزدیکان وی که به‌شکل غیرقانونی تحصیل و ارائه شده است.

اما به‌نظر نمی‌رسد باید چنین قائل بود که قانون‌گذار آمریکایی دست از بزه‌دیده‌شناسی قضایی و حمایت از بزه‌دیدگان در جرایم قتل و تجاوز شسته و به نوعی در فکر حمایت از متهم یا اثبات بی‌گناهی وی می‌باشد، بلکه تمایل بر این داشته است که کشف این جرایم و اثبات آن‌ها در دادگاه‌ها به‌شکل واقعی و منطبق با انصاف و عدالت کیفری باشد، زیرا رد دلیل غیرقانونی واقعاً نمی‌تواند مصداق بی‌توجهی یا کم‌توجهی به بزه‌دیده‌ای شود که به قتل رسیده یا مورد تجاوز قرار گرفته است، اما بر این موضوع نیز واقف بوده است جمع‌آوری دلایل در انطباق با قانون و منطبق با واقعیت‌ها باشد.

به این منظور قانون‌گذار آمریکایی تا آنجا سخت‌گیرانه عمل کرده است که هرگاه مأموران کشف جرم یا مقامات قضایی در اعطای اعتبار به دلایل غیرعلمی و غیرواقعی ترتیب اثر دهند، برای آن‌ها مجازات‌هایی پیش‌بینی کرده است (مؤذن‌زادگان و سهیل مقدم، ۱۳۹۵: ۲۶۴).

حمایت از بزه‌دیدگان جرایم قتل و تجاوز از دیگر مبانی اساسی در بزه‌دیده‌شناسی قضایی در حقوق آمریکا به‌شمار می‌رود. به‌طور معمول این نوع حمایت‌ها نه‌فقط در حقوق ایالات متحده آمریکا، بلکه در اکثر کشورهای تابع نظام حقوقی کامن‌لا سابقه دارد که مشخصاً توسط سازمان‌های خصوصی یا مردمی با هدف آشنایی بزه‌دیدگان با حقوق قانونی آن‌ها و کمک به ارتقای سطح کیفی نظام عدالت کیفری فعالیت می‌کنند. بیشتر برنامه‌های این سازمان‌ها در جرایم خشن (خشونت‌آمیز) صورت می‌گیرد که تمایل اصلی آن‌ها معاضدت قضایی، حقوقی، فرهنگی و اجتماعی در راستای تسکین آلام و رنج‌های روحی بازماندگان مقتل در بزه قتل و یا بازپروری بزه‌دیدگان جرایم جنسی و رفع ناکامی‌های روحی و درماندگی وی در بزه تجاوز انجام می‌شود. واضح است که این برنامه‌ها می‌توانند از بزه‌دیدگان جرایم مزبور حمایت ارزشمندی نمایند، به‌نحوی که گاهی می‌توانند در صدور تصمیمات کیفری و تسهیل و تکمیل فرآیند دادرسی کیفری در مراجع قضایی کمک شایانی به دادرسان رسیدگی‌کننده به جرایم مذکور نمایند (زینالی، ۱۳۹۳: ۱۳۷۳-۱۳۷۱).

#### ۴- قلمروی بزه‌دیده‌شناسی قضایی در جرایم قتل و تجاوز

##### ۴-۱- حقوق ایران

در حقوق ایران، از جمله مقرراتی که به قلمروی بزه‌دیده‌شناسی قضایی اشاره کرده است، می‌توان به قانون آیین دادرسی کیفری در مسائل چون جبران ضرر وارده و احقاق حقوق بزه‌دیده (پرداخت دیه، خسارت و گاهی قصاص نفس در بزه قتل) که شامل خسارات مادی، معنوی و ممکن‌الحصول می‌شود؛ پرداختن به مسأله نقش بزه‌دیده در بزه‌های قتل و تجاوز در صدور قرارها در مرحله تحقیقات مقدماتی (مانند قرار مجرمیت و قرار منع تعقیب)، تبیین اصول حاکم بر بزه‌دیده‌شناسی قضایی به‌شکل پراکنده در این قانون مانند اصل تسریع در تحقیقات مقدماتی در جرایم قتل و تجاوز، اصل رعایت حقوق شهروندی در رسیدگی به این جرایم، اصل داشتن وکیل در رسیدگی به جرایم موصوف، اصل سرّی بودن دادرسی در جرایم قتل و تجاوز و همچنین اصل غیرعلنی بودن دادرسی در جرایم مورد بحث اشاره کرد. همچنین قانون مجازات اسلامی در سه مورد به این مهم اشاره شده است:

نخست، تحصیل دلیل قانونی؛ دوم، مجازات مرتکبان جرایم قتل و تجاوز که به‌طور معمول بسیار سختگیرانه هستند؛ سوم، اصول حاکم بر بزه‌دیده‌شناسی قضایی در این جرایم که شامل اصل قانونمندی جرم (شامل اصل قانونی بودن مجازات و اصل قانونی بودن دادرسی) و اصل تحصیل دلیل مشروع و قانونی در بزه‌های قتل و تجاوز است.

در رویه قضایی ایران بزه‌دیده‌شناسی قضایی دو قلمروی عمده را دنبال می‌کند: نخست، در راستای اثبات و احراز ادله علمی پزشکی قانونی؛ دوم، نقش دیوان عالی کشور در بررسی ادله بزه‌های تجاوز و قتل.

در مورد اول، دیوان همواره تأکید دارد که دادرسان دادگاه‌ها خود در امور فنی اثبات بزه عمل نکنند و موضوع را به افراد متخصص (پزشکی قانونی و ...) ارجاع دهند (رأی شماره ۲۹۴/۲۹۴۰ مورخ ۱۳۱۹/۰۹/۱۶ شعبه ۲۷ دیوان عالی کشور) این اظهار نظر خصوصاً در بزه‌هایی چون قتل و تجاوز که نیازمند بسیار گسترده‌ای در مقام اثبات دارد جلوه عینی و مهم پیدا می‌کنند، زیرا به‌طور معمول برای اثبات بزه قتل تعیین

عنصر قصد یا فعل نوعاً کشنده در تعیین نوع قتل اثر مستقیم دارد (آقایی‌نیا، ۱۳۸۷: ۹۲).

علاوه بر این در بزه تجاوز رویه قضایی کشور، نقش مؤثری در بررسی دلایل مربوط به کشف حقیقت و اثبات بزه ایفا کرده است. به‌عنوان نمونه در رأی شماره ۹۱۰۹۹۷۹۰۸۷۰۰۸۸۵ مورخه ۱۳۹۱/۱۱/۱۵ یکی از دادگاه‌های کشور بر این موضوع صحه گذاشته است که در اتهام زنای به‌عنف، چنانچه متهم، منکر جرم زنا گردید، بزه تجاوز محل تردید است (پرسش شماره ۹۰۴۳ از گنجینه استفتائات قضایی) که در چنین مواردی بی‌تردید نظریه پزشکی قانونی می‌تواند گره‌گشا باشد.

##### ۴-۲- حقوق آمریکا

در حقوق آمریکا بزه‌دیده‌شناسی قضایی در بزه‌های قتل و تجاوز جلوه عینی به مراتب مشخص‌تری نسبت به حقوق ایران دارد؛ در حقوق این کشور بزه‌دیده‌شناسی قضایی نه‌فقط در مقام کشف علمی جرایم، اثبات بزه، تشکیل پرونده شخصیت برای بزه‌دیده، بلکه اعمال حمایت از بزه‌دیده در مقابل خطرات، آسیب‌ها و رویدادهای بعدی ناشی از بزه ارتكابی است. به این منظور هم در قوانین و مقررات موضوعه آمریکا و هم در رویه قضایی این کشور همواره بر لزوم حمایت از بزه‌دیده، خصوصاً مسأله جبران خسارات وارده به وی و تمهید برنامه‌های هدفمند در بزه «تجاوز جنسی» تأکید شده است.

بر این مبنا در گفتار اول به قلمروی بزه‌دیده‌شناسی بزه‌های قتل و تجاوز در قوانین و مقررات موضوعه آمریکا و در گفتار دوم به این قلمرو در رویه قضایی این کشور خواهیم پرداخت.

#### ۴-۲-۱- قلمروی بزه‌دیده‌شناسی قضایی جرایم قتل و تجاوز

##### در قوانین و مقررات

##### ۴-۲-۱-۱- برنامه‌های حمایت از بزه‌دیدگان در بزه‌دیده‌شناسی

##### قضایی

در حقوق آمریکا به‌طور معمول به بزهکاری به‌مثابه اقدام علیه دولت نگریسته می‌شود. این بدان‌معناست که ساختار نظام عدالت کیفری به‌گونه‌ای است که نقش بزه‌دیده در نگاه اول به‌شکل حاشیه‌ای و فرعی قلمداد می‌شود؛ با این وجود مسأله

می‌شود، ممکن است آن‌ها در معرض فشار مالی ناشی از صدمات جسمی و آسیب‌های روحی و عاطفی قرار گیرند.

در این حالت این بزهدیدگان نیازمند رسیدگی اجتماعی، فرهنگی و عاطفی و درمان صدمات و جراحات ناشی از ضربه جسمی یا عاطفی خواهند بود که در حقوق آمریکا مورد تأکید گسترده قرار گرفته است. از جمله سیاست‌های تقنینی آمریکا که این مهم را پیش‌بینی کرده است، رهنمودهای تعیین‌شده فدرال آمریکا به سال ۱۹۹۰ است. این رهنمودها ضمن طبقه‌بندی بزهدیدگان جرایم خشن (مانند تجاوز جنسی، سوءاستفاده جنسی از کودکان، خشونت‌های خانگی، ایراد ضرب و جرح و ...) همواره بر این موضوع اصرار دارند که دردها و رنج‌های ناشی از رهگذر بزهدی‌های خشن از طریق جبران خسارت رفع شوند.

#### ۴-۲-۲- قلمروی بزهدیده‌شناسی قضایی در رویه قضایی

رویه قضایی آمریکا همواره بر دو موضوع مهم در بزهدیده‌شناسی قضایی بزهدی‌های قتل و تجاوز تأکید دارد: نخست، دلایل مربوط به تأثیر جرم بر بزهدیده، مانند «پرونده بوث علیه مریلند» که در این پرونده دیوان عالی ایالات متحده رأی داد که توجه به ادله مربوط به تحصیل جرم بر بزهدیده، اعم از بزهدیدگان مستقیم و خانواده آنان در مرحله رسیدگی به جرایم مستوجب اعدام مغایر با قانون اساسی است، زیرا تمرکز هیأت منصفه به هنگام ارائه دلایل مربوط به تأثیر جرم بر بزهدیده از متهم به بزهدیده انتقال یافته و در نتیجه، تصمیم بر تحمیل مجازات مرگ می‌تواند خودسرانه و بی‌مبنایی حکم دادگاه باشد.

در پرونده مشابه دیگری دیوان با تغییر هیأت چنین موضع گرفت که توجه به دلایل مربوط به تأثیر جرم بر بزهدیده در محکومیت‌های اعدام مغایر با قانون اساسی این کشور نیست. این باور بر پیوند مستقیم میزان خسارت به خانواده‌های بزهدیدگان در بزهدی‌های قتل و مجازات متهمان چنین بزهدی‌های تمرکز دارد که امروزه در آمریکا طرفداران بسیاری دارد. بر این مبنا پشتیبانی همگانی نیرومند از حقوق بزهدیدگان جرایم خشنی مانند قتل و تجاوز که در برنامه‌های سیاستی این کشور در این چند دهه جایگاه گسترده‌ای پیدا کرده‌اند، چنین تجلی

بزهدیده‌شناسی از مسائل اساسی و بنیادین این ساختار تلقی می‌گردد. در این راستا پلیس، دادستان‌ها و دادرسان دادگاه‌ها در کشف بزهدکاری و مجازات بزهدکاران تمرکز ویژه‌ای دارند؛ به‌لحاظ سنتی نیز قوانین و مقررات ناظر بر فرآیند دادرسی کیفری به‌گونه‌ای تنظیم شده‌اند که در وهله اول تضمین‌کننده حقوق دفاعی متهم باشند، با این مشخصه که بزهدیدگان به‌عنوان جزئی از این فرآیند و در بادی امر به‌عنوان شاهد تلقی می‌شوند.

در دهه‌های گذشته بزهدیدگان و خانواده‌های آن‌ها از تحقیقات کیفری و تصمیمات ناشی از آن اطلاع چندانی به‌دست نمی‌آوردند، اما امروزه با گسترش برنامه‌های حمایتی از بزهدیدگان خصوصاً در جرایم خشن این سطح خدماتی در حقوق این کشور رو به گسترش بوده است؛ در این راستا نخستین برنامه‌های حمایت از بزهدیدگان دولتی ابتدا در سال ۱۹۷۲ (برنامه کارول ویتز) و سپس در سال ۱۹۷۴ در دادستانی میلوکی و بروکلین با عنوان اداره مساعدت اجرای قانون با هدف مطالعه و تأمین مالی اقدامات پیشگیرانه از بزهدکاری تأسیس شد.

#### ۴-۲-۱- معیار ارزیابی تقصیر بزهدیدگان تجاوز جنسی از منظر بزهدیده‌شناسی قضایی

نظریه عملکرد بزهدیده به‌عنوان عامل مؤثر در فرآیند بزهدیدگی در تحقیقات مربوط به قتل و جرایم علیه اموال در حقوق آمریکا مورد تأکید گسترده قرار گرفته است. با این وجود در دهه‌های گذشته نظام عدالت کیفری این کشور به سویی رفته است که مقصدانستن بزهدیدگان آزار جنسی یا تجاوز جنسی نیز موضوع بیشتر مطالعات و بررسی‌های جنایی قرار گرفته است. این بدین‌خاطر است که دادگاه‌ها بتوانند در بزهد تجاوز، کشف حقیقت و احراز واقعه مجرمانه را به‌درستی انجام دهند.

#### ۴-۲-۱-۳- جبران خسارت بزهدیدگان تجاوز جنسی و قتل از منظر بزهدیده‌شناسی قضایی

بی‌تردید پس از ارتکاب بزهدی‌های خشونت‌باری مانند تجاوز جنسی و یا قتل که به خانواده مقتول تالم و رنج زیادی وارد

کرده‌اند که دیوان عالی فدرال با اعاده از مواضع پیشین خود بر حمایت از بزه‌دیدگان این جرایم اتخاذ موضع نماید؛ این دیدگاه سبب شده است که دادگاه‌ها نیز هم‌سو با دیوان عالی فدرال اتخاذ موضع کنند (جلالی فراهانی، ۱۳۹۳: ۷۲۹-۷۲۸).

دوم، دعوی علیه بزهکاران تجاوز جنسی از منظر بزه‌دیده‌شناسی قضایی است. در این مورد می‌توان به پرونده‌ای اشاره کرد که حدود دهه قبل هنگامی که بزه‌دیده تجاوز جنسی در یکی از دانشگاه‌های آمریکا به استناد قانون خشونت علیه زنان علیه مرتکبان آن اقامه کرد، اشاره نمود که این قانون خلاف قانون اساسی تشخیص داده شد. در این پرونده کنگره و کلای بزه‌دیدگان مصوبه قانونی حقوق مدنی بر خواسته از قانون خشونت علیه زنان را دنبال کردند تا جبران خسارات وارده به بزه‌دیدگان ناشی از خشونت‌های جنسی را فراتر از قوانین سنتی فراهم کنند.

دیوان عالی ایالات متحده در این پرونده علیه موریسون رأی داد و اعلام کرد که کنگره از اختیار لازم بر پایه قانون اساسی برای تصویب یادشده از این قانون برخوردار نیست. با این حال چندین ایالات آمریکا برخلاف این حکم، قانون مشابهی وضع کردند و بزه‌دیدگان این جرایم همچنان خسارت مدنی‌شان را در دادگاه‌های ایالتی دنبال کردند که مورد پذیرش نیز قرار گرفت.

### نتیجه‌گیری

بزه‌دیده‌شناسی قضایی یا قانونی رویکردی نو در مطالعات علوم جنایی است که به دنبال ملاحظات توانمندسازی نظام عدالت کیفری در راستای احقاق حقوق بزه‌دیدگان، توجه محققان علوم اجتماعی و جرم‌شناسی به آن سوی عمل مجرمانه، یعنی قربانیان جرم و شناخت خصوصیات زیستی، روانی، اجتماعی و سایر اوضاع و احوال پیرامونی بزه‌دیده و رابطه وی با بزهکار در فرآیند عمل مجرمانه می‌باشد. بازتاب یافته‌های این رویکرد نوپا ثابت می‌کند که بزه‌دیده‌شناسی قانونی مجموعه‌ای از دستاوردهای پزشکی، کارشناسی، پلیسی، اجتماعی، فنی و تخصصی و قضایی است که با بهره‌گیری از جدیدترین شیوه‌های علمی اثبات جرایم، به دنبال کشف حقیقت در فرآیند گذار مجرمانه، تشکیل پرونده

شخصیت برای بزه‌دیده و همچنین حمایت از وی در مقابل متهم و سایر گذاره‌های رسیدگی‌های کیفری می‌باشد. در این پژوهش که مطالعه بزه‌دیده‌شناسی در بزه‌های قتل و تجاوز مورد مطالعه قرار گرفت، این دستاوردها به دست آمد که مبنای بزه‌دیده‌شناسی قضایی در حقوق دو کشور مورد مطالعه عموماً مبتنی بر کشف حقیقت و اثبات بزهکاری به شیوه علمی است، به گونه‌ای که در حقوق آمریکا قانون‌گذار این کشور و رویه قضایی بر این موضوع تأکید دارد، علاوه بر کشف حقیقت و اثبات بزهکاری باید برای بزه‌دیدگان خصوصاً بزه‌دیدگان خاص حقوق و حمایت‌هایی را پیش‌بینی کرد تا آلام و رنج‌های روحی و روانی آن‌ها کاسته و علاوه بر به رسمیت‌شناختن حقوق دفاعی متهمان، حقوق قربانیان جرم نیز مد نظر قرار گیرد. بر این اساس هم در حقوق آمریکا و هم در حقوق ایران، حمایت از حقوق بزه‌دیده در برنامه‌ها و مقررات مختلفی مد نظر قرار گرفت. در ایران این برنامه‌ها با ضمانت اجرای مؤثری مزین شد. در آمریکا بزه‌هایی مانند قتل و تجاوز از جرایم سنگین برشمرده شد. برنامه‌های حمایتی آمریکا به شکل کاملاً هدفمند و سازمان‌یافته شکل گرفت که به شکل اختصاصی تکلیف و وظایفی را در راستای بزه‌دیده‌شناسی قانونی/ قضایی برعهده گرفت. قلمروی این‌گونه بزه‌دیده‌شناسی در بزه‌های قتل و تجاوز در حقوق دو کشور مورد مطالعه حکایت از آن دارد: اولاً جبران کامل و به موقع ضررهای وارد به بزه‌دیده در دستور کار مراجع قضایی قرار گیرد؛ ثانیاً اجرای اصول بنیادین و مهم دادرسی کیفری هم در مرحله تحقیقات مقدماتی و هم دادرسی به نفع بزه‌دیده یا دست کم همسان با بزهکار تضمین گردد؛ ثالثاً برای کلیه بزه‌دیدگان قتل و تجاوز پرونده شخصیت تشکیل شود و اوضاع و احوال مختلف آن در هنگام ارتکاب بزه در این پرونده گنجانده شود؛ رابعاً نظام عدالت کیفری همواره در مقام تسکین آلام روحی، رنج‌ها و صدمات جسمی و روانی بزه‌دیدگان بزه تجاوز و همچنین خانواده افراد مقتول در بزه قتل باشد. بنابراین آنچه که بزه‌دیده‌شناسی قضایی برمی‌آید، این علم در مقام ترسیم موقعیت خاص بزه‌دیده در کلیه مراحل فرآیند کیفری و توجه به نیازهای او در طی این فرآیند به منظور حمایت از وی و جبران خسارت وارده به وی است.

در دانشنامه بزه‌دیده‌شناسی و پیشگیری از جرم، جلد اول، تهران: نشر میزان.

- حاجی ده‌آبادی، محمدعلی و یوشی، مهشید (۱۳۹۵). «جلوه‌های رویکرد حمایتی نسبت به بزه‌دیدگان عادی در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲». *ماهنامه شبک* (شبکه اطلاعات کنفرانس‌های کشور)، ۹: ۴۵-۵۸.

- خداخواه، نسیم (۱۳۹۷). «حقوق بزه‌دیده و متهم در دیوان کیفری بین‌المللی». *فصلنامه داخلی کانون وکلای دادگستری*، ۱۷: ۱۴۹-۱۶۶.

- رایجیان اصلی، مهرداد (۱۳۸۱). *بزه‌دیده در فرآیند کیفری*. چاپ سوم، تهران: انتشارات خط سوم.

- رایجیان اصلی، مهرداد (۱۳۸۵). «بزه‌دیدگان؛ حقوق و حمایت‌های بایسته». *فصلنامه پژوهش حقوق و سیاست*، ۱۹: ۱۱۷-۱۳۹.

- رایجیان اصلی، مهرداد (۱۳۸۱). «موقعیت اطفال بزه‌کار - بزه‌دیده در حقوق کیفری ایران»، *فصلنامه دیدگاه‌های حقوق قضایی*، ۲۵: ۳-۳۰.

- رحیمی‌نژاد، اسمعیل (۱۳۹۷). «بازتاب آموزه‌های بزه‌دیده‌شناسی علمی در سیاست جنایی تقنینی ایران». *فصلنامه حقوق اسلامی*، ۵۹: ۱۷۳-۱۹۸.

- رمضان نرگسی، رضا (۱۳۸۲). «تجاوز و بزه‌دیدگی زنان». *فصلنامه کتاب زنان*، ۲۲: ۶۸-۱۰۴.

- زینالی، امیرحمزه (۱۳۹۳). *برنامه‌های حمایت از بزه‌دیدگان در ایالات متحده آمریکا*. در دانشنامه بزه‌دیده‌شناسی و پیشگیری از جرم، جلد دوم، تهران: نشر میزان.

- سیگل، لاری جی (۱۳۸۵). *بزه‌دیده‌شناسی*. ترجمه یاشار سیف‌اللهی، تهران: نشر دفتر تحقیقات پلیس آگاهی ناجا.

- شیرینی، عباس (۱۳۹۷). «بزه‌دیده‌شناسی قضایی (قانونی)». *فصلنامه تحقیقات حقوقی*، ۸۴: ۲۱۵-۲۴۲.

**ملاحظات اخلاقی:** در این پژوهش تمامی ملاحظات اخلاقی رعایت گردیده است.

**تعارض منافع:** نگارش این مقاله، فاقد هرگونه تعارض منافی بوده است.

**سه‌م نویسنده‌گان:** در این پژوهش، نفر اول به‌عنوان نویسنده اصلی و نفرات بعدی به‌عنوان همکار اصلی عمل کرده‌اند.

**تشکر و قدردانی:** لازم است از تمام کسانی که در تدوین این مقاله ما را یاری رسانده‌اند، قدردانی نماییم.

**تأمین اعتبار پژوهش:** این پژوهش بدون تأمین مالی انجام گرفته است.

## منابع و مأخذ

### الف. منابع فارسی

- آرفلو، واین (۱۳۸۳). *قتل در نظام کیفری ایالات متحده آمریکا*. ترجمه حسین آقایی‌نیا، تهران: انتشارات پیام دار.

- اسمپ، جان ام (۱۳۸۳). *حقوق جزای آمریکا*. ترجمه امیر سماواتی پیروز، چاپ اول، تهران: نشر آریان.

- آقایی‌نیا، حسین (۱۳۸۷). *جرایم علیه اشخاص*. جلد اول، چاپ چهارم، تهران: نشر میزان.

- بیگی، جمال و یزدانی، حکیمه (۱۳۹۸). «نقش بزه‌دیده بر مسؤولیت بزه‌کار در قانون مجازات اسلامی از منظر آموزه‌های بزه‌دیده‌شناسی علمی». *فصلنامه تحقیقات حقوق خصوصی و کیفری*، ۳۹: ۱۴۱-۱۷۶.

- پاک‌روش، کبری (۱۳۸۷). «بزه‌دیده‌شناسی؛ رویکردی جدید به بزه‌دیده». *فصلنامه مطالعات امنیت اجتماعی*، ۳۱: ۶۸-۵۱.

- جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۷۸). *مبسوط در ترمینولوژی حقوق*. جلد چهارم، چاپ دوم، تهران: انتشارات گنج دانش.

- جلالی فراهانی، امیرحسین (۱۳۹۳). *پرونده‌های قضایی مهم مرتبط با حقوق بزه‌دیده در محاکم فدرال ایالات متحده*.

- Turvey, E & Petherick, W (2009). *Forensic Victimology, Examining Violent Crime Victims in Investigative and Legal Contexts*. USA: Academic Press in an imprint of Elsevier.

- عزیزی، علیرضا و لپز، ژرار و ژینا، فیلیزولا (۱۳۹۸). «پیشینه و مبانی حمایت از بزه‌دیده و متهم در فرآیند دادرسی کیفری». *فصلنامه حقوقی گواه*، ۱۴: ۱۷-۲۸.

- غنی‌زاده، سامان و علیزاده، اکبر (۱۳۹۲). «نقش پزشکی قانونی در کشف پرونده‌های قتل عمد». *مجله کارآگاه*، ۲۲: ۱۱۲-۱۳۱.

- فالاحی، یزدان؛ محمدی، شهرام و جعفری، محمدجواد (۱۳۹۸). «بازخورد رهیافت‌های بزه‌دیده‌شناسی ثانویه در نظام کیفری ایران». *ماهنامه علمی جامعه‌شناسی سیاسی ایران*، ۸: ۹۵۹-۹۸۲.

- قاسمی، محمدعلی و مقدم‌فرد، محمد (۱۳۹۶). «بررسی حق سکوت متهم در آیین دادرسی کیفری از منظر بزه‌دیده‌شناسی». *فصلنامه مطالعات علوم سیاسی، حقوق و فقه*، ۳(۱): ۷۵-۹۲.

- کوره‌پز، حسین‌محمد؛ میرخلیلی، سیدمحمد؛ توجیهی، عبدالعلی و بهره‌مند، حمید (۱۳۹۴). «نیمرخ‌سازی جنایی: تکنیکی نوین در شناسایی بزهکاران». *فصلنامه مطالعات حقوق کیفری و جرم‌شناسی*، ۲(۲): ۹۱-۱۱۳.

- مؤذن‌زادگان، حسنعلی و سهیل مقدم، سحر (۱۳۹۵). «قاعده بطلان دلیل در دادرسی کیفری (با تأکید بر حقوق آمریکا)». *فصلنامه مطالعات حقوق کیفری و جرم‌شناسی*، ۲: ۲۴۳-۲۶۷.

- میرخلیلی، سیدمحمد (۱۳۸۵). «بزه‌دیده‌شناسی پیشگیرانه با نگاه به سیاست جنایی اسلام». *فصلنامه فقه و حقوق (حقوق اسلامی)*، ۱۱: ۶۵-۹۰.

- هاشمی، سیدمهدی (۱۳۸۷). «تحولات نوین حقوق بزه‌دیدگان در آمریکا در پرتو نقش قانون حقوق بزه‌دیده». *فصلنامه مطالعات پیشگیری از جرم*، ۷: ۸۵-۱۱۸.

#### ب. منابع انگلیسی

- Hicks, J & Sales, D (2006). *Criminal Profiling: Developing an Effective Science and Practice*. American Psychological Association.